

کوشش آن حق گزاران یاد باد

وکیل دکتر رضا مقصودی

در وصف دکتر محمود سرشار

تجلی صفات والا و کریمه ای چون روحیه احسان، ایثار و توجه به رسالت اجتماعی وکیل، روحی بزرگ و شخصیتی ممتاز چون مرحوم محمود سرشار می آفریند تا با آن درجه از معرفت و دانش؛ اقدام به تأسیس کلاس اکابر برای خدمت به هموطنان خود بنماید و از وزیر معارف وقت اجازه گرفته، یکی از دبستانهای دولتی را تبدیل به کلاس شبانه نموده و مدت مدیدی از این طریق به فرهنگ خدمت نماید و شاگردان و جوانانی دانشمند به جامعه تحویل دهد.

نیز در مقام دادستانی حوزه قضائی شهرستان سمنان، برای خدمت به جوانان آن شهرستان کلاس شبانه تأسیس نمود و در قسمت پسران خود ایشان شخصا و در قسمت دختران خانم فاضل و دانشمند ایشان تدریس میکردند و خود میگفت بهترین یادگار دوران خدمت من در عدلیه سمنان همانا تعلیم و تربیت جوانانی است که آنانرا چون فرزندان خود عزیز میداشتم. علاوه بر تعلیم و تدریس موجبات وسائل ورزشهای جدید را هم برای این نوجوانان فراهم ساخت که هنوز هم پس از سی سال مردم سمنان یادگار ذیقیمت و آثار ارزنده آن مرحوم را فراموش نکرده و همیشه نسبت باو حق شناس بوده اند... و نیز با تأسیس کانون هدایت افکار به مدت سیزده سال متوالی از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۴ تمام ایام سه شنبه بعد از ظهر از طرف دانشمندان و اساتید و وکلاء دادگستری و وزراء و کلیه طبقات مردم و شئون مختلف سخنرانیهای جامعی ترتیب می داد که در واقع یک کلاس عالی و مورد استفاده برای تمام مردم بود.

یکی دیگر از خدمات برجسته و ارزنده مرحوم محمود سرشار تأسیس کانون هدایت افکار بود که به سرپرستی و مدیریت ایشان و همکاری عده از دوستان دانشمند او کانون علم و ادب و در واقع فرهنگستان جامعی تشکیل و مدت سیزده سال متوالی از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۴ تمام ایام سه شنبه بعد از ظهر از طرف دانشمندان و اساتید و وکلای دادگستری و وزراء و کلیه طبقات مردم و شئون مختلف سخنرانیهای جامعی می شد که در واقع يك کلاس عالی و مورد استفاده برای تمام مردم بود. در دوران وکالت دادگستری و عضویت کانون وکلا وجود آقای محمود سرشار همواره منشا اثر بوده است. خدمات او در امور معاضدت به بینوایان و دفاع از حق آنان همچنین در امور بین المللی کانون بسیار ارزنده و مورد توجه و تحسین عموم همکاران او بود. در راه استقلال کانون وکلا مساعی زیادی به کار برد و می توان گفت یکی از پایه گذاران استقلال کانون وکلا مرحوم محمود سرشار بود و همکاران ارجمند و دانشمند او قدر این خدمت او را به خوبی می دانند و می ستایند و به همین لحاظ در تمام ادوار استقلال کانون مشارالیه با آراء زیاد همکاران خود به عضویت هیات مدیره انتخاب و به سمت نیابت ریاست انجام وظیفه می نمود. آقای سرشار همیشه به نمایندگی از طرف کانون وکلای دادگستری ایران در کنفرانس های سالیانه بین المللی

شرکت داشت و در تمام این کنفرانس ها در اعتلای نام میهن عزیز خود و بزرگداشت سازمان قضائی ایران و کانون وکلای دادگستری و حوزه وکلای ایران فداکاری و جان فشانی نمود. و در سازمان جهانی وکلاء به نیابت ریاست هم رسید و همواره از لحاظ فضل و دانش و احاطه به چند زبان خارجی مورد احترام نمایندگان کانون های جهان بود و از افکار و نظرات او استفاده می کردند.

بیانات شادروان خلعت بری در مجلس یادبود مرحوم سرشار- مجله کانون وکلا- خرداد و تیر ۱۳۴۳:

"مرحوم سرشار وقتی کانون وکلاء تشکیل شد این مسئله معاضدت قضائی را وجهه همت خودش قرار داد. معاضدت قضائی کاری نیست که در آن آب و نانی باشد. جز همت و خدمت هیچ چیز نیست. در آنجا در ابتدای تشکیل کانون وکلاء این مرد نازنین چهار سال تمام وقت خودش را صرف بوجود آوردن، اداره کردن، رسیدگی به کار مردم بی بضاعت و درمانده نمود. میرفت اطباء را التماس می کرد، خواهش می کرد اشخاصی که مریض بودند و بکانون وکلاء برای کارهای قضائی مراجعه می کردند برای معاضدت قضائی بآنها کمک شود و سی و چهل نفر از اطباء شریف و بنام مملکت قبول کرده بودند سالی چندین صد نفر از مردم بیچاره ای که به کاخ دادگستری برای عدالت می آمدند، دوا و معالجه آنها را هم مرحوم سرشار پیش اطباء خصوصی در بیمارستانهای خصوصی تأمین و طوری با مردم رفتار می کرد که هیچ پدری با پسر خودش این طور با عطف و مهربانی رفتار نمی کند. حقیقتاً نمونه ای بود."

آقای دکتر احمد هومن در مورد محمود سرشار اینگونه می گوید:

"محمود واقعاً فرصت نداشت شب و روز مشغول بود تا اندک فراغتی پیدا می کرد، به مطالعه می پرداخت. پنداری از کمی روزهای باقیمانده خود ملهم و مطلع بود. می خواست قبل از آنکه چراغ عمرش خاموش شود اثر بیشتری از خود باقی گذارد. از طرفی طبق اصول مذهبی معتقد بود هر لحظه که مشیت خداوندی تعلق گیرد و مقدر شود گریزی برای هیچکس متصور نیست. این داستان را همیشه برای دوستانش تعریف می کرد؛ می گفت: بلیط هواپیما خریده بودم اسباب سفر از هر حیث آماده بود. بنا بود روز سه شنبه ای به آمریکای جنوبی مسافرت کنم. مادرم مریض بود. از این جهت خیلی نگران بودم ولی تصادفاً حالش خوب شد و من بی اندازه خوشحال شدم و تلفنی به هواپیما اطلاع دادم که جایم را برای فردا محفوظ نگاه دارد. صبحگاهان مادرم که کمال علاقه و دلبستگی به او داشتم بر خلاف انتظار فوت کرد. از مرگ او چنان متأثر شدم که همه چیز فراموشم شد. وقتی خبر سقوط هواپیما را در روزنامه خواندم فهمیدم که از مرگ حتمی خلاصی یافته ام. دانستم مادرم برای اینکه فرزندش را از مرگ برهاند خود را فدا کرده بود تا با مرگ خود مرا از نعمت زندگانی بهرمند کند. سرشار مردی ایده آلیست بود از صفات عالیله انسانی بهره ای بسزا داشت صراحت لهجه و ثبات عقیده از مشخصات او بود نسبت به ضعفا و بیچارگان واقعاً ترحم داشت." (به نقل از مجله کانون وکلاء شماره ۸۹)

آقای احمد ندیم از وکلای محترم دادگستری در مورد سرشار چنین می نویسد:

"از شمار نفوس يك تن كم وز شمار خرد هزاران بیش

آنانکه مرحوم سرشار را می شناختند و با او حتی به مقدار کم معاشرت داشتند اذعان دارند که سرشار تنها وکیل دادگستری نبود او شخصی بود ادیب ، حقوقدان ، آشنا به ادبیات زبان های زنده دنیا به جرات می گویم با اینکه در حال حاضر ادیب به معنی واقعی در زبان فارسی کمیاب است او به معنی حقیقی ادیب زبان فارسی بود . سرشار نه تنها واجد فضائل علمی بود بلکه متحلی بحلیه اخلاق و فضیلت و تقوی نیز بود مردی بود متواضع ، رئوف و مهربان ، خوش قلب با گذشت ، پرهیزکار ، ممکن است جزء جزء فضائل علمی و اخلاقی سرشار را در افراد بیابیم ولی جامعیت او از نظر وقوف به علوم و دانش های متنوع و فلسفه علمی و عملی هرگاه بی نظیر نباشد ، کم نظیر بوده است . الناس اموات و اهل العلم احیاء . نابخردان مردگانند و خردمندان همیشه زنده و جاویدانند."